



رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان:

زوال آمریکایک واقعیت است

■ آمریکای امروز به مراتب ضعیف‌تر از ۴ دهه قبل و ایران به مراتب قوی‌تر شده است

صفحه ۵

تکلیف Khamenei.ir

سخنی با نمایندگان مجلس درباره سوئیفت

■ سیداسر جبرائیلی

لذا باید توجه داشت حتی اگر آمریکا از برجام خارج نمی‌شد، تکیه بر سوئیفت برای مخابره پیام‌های مالی همچنان مانعی در برابر تجارت خارجی ایران بود و باید به سمت ایجاد یک سامانه پیام‌رسان موازی می‌رفتیم. طرحی که امروز نمایندگان مجلس به بررسی آن خواهند پرداخت، یک طرح هوشمندانه برای قطع یکی از بازوهای اعمال تحریم آمریکاست. این طرح از دولت می‌خواهد در همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با سایر کشورها اقدام به راهاندازی یا استفاده از پیام‌رسان‌های مالی اختصاصی نموده یا از پیام‌رسان‌های موجود در داخل یا خارج کشور استفاده کند. اگر این اتفاق بیفتد، به تعبیر یک روزنامه صهیونیستی جروزالم‌پست: «ایجاد یک جایگزین برای سوئیفت، به موفقیت صنعت بانکی ایران را در مقابل اقدامات آمریکا بیمه خواهد کرد»^۶.

طبیعتا اعتیاد نظام بانکی کشور به استفاده از سوئیفت، فاصله گرفتن از آن را برای سیستم مشکل می‌کند و نقل است که برخی بانک‌ها گه‌گاهند هر چند این دایم این سیستم تحت اشراف آمریکاست، اما باز به استفاده از آن ادامه خواهیم داد. اینجاست که الزام قانونی برای تحرک فعالانه برای مقابله با تحریم برای آن بخش از اقتصاد که رخنه‌زده و منفعل است، ضروری می‌نماید. سوئیفت هیچ چیز جز یک پیام‌رسان مانند هر پیام‌رسان الکترونیکی دیگر نیست و آنچه به آن شهرت و اعتبار داده، حجم بالای استفاده از آن است. دوم نوامبر ۲۰۱۸ [جمعه ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۹۷، «آنا‌تولی اوسکاکف» رئیس کمیته بازارهای مالی پارلمان روسیه اعلام کرد پیام‌رسان اختصاصی روسیه (SPFS) که با هدف استقلال از نظام مبادلاتی غربی طراحی شده، بشدت در حال مقبولیت یافتن است. وی خبر داد مسکو در حال مذاکره با طرف‌های چینی، ایرانی و ترکی است تا این سیستم روسی را به پیام‌رسان‌های داخلی این کشورها متصل کند.^۷ یعنی روسیه اعلام آمادگی کرده است که سامانه «SPFS» خود را به سامانه «سپام» ایران متصل کند تا در مبادلات دوجانبه مورد استفاده قرار گیرد.

سخن آخر اینکه اگر بخشی از طرح «راهاندازی و استفاده از پیام‌رسان‌های مالی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه در تجارت خارجی» ایخش مربوط به پیمان‌های پولی^۸ که امروز در مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد، به دلیل وجود قانون قبلی غیرضروری است...

ادامه در صفحه ۱۲

از پیام‌رسان‌های مالی جایگزین سوئیفت است، نباید از کنار مسأله به‌سادگی عبور کرد. یک روایت متواتر و معتبر از وضعیت سوئیفت پس از اجرایی شدن برجام این بوده که سوئیفت برای ایران باز شده اما بانک‌های بزرگ خارجی از دریافت پیام از مبدأ ایران یا ارسال پیام به مقصد ایران از طریق سوئیفت خودداری کرده‌اند. دلیل این امر روشن است. سازمان سیا و وزارت خزانه‌داری آمریکا از سال ۲۰۰۲ تحت برنامه TFTP (برنامه رهگیری تامین مالی تروریسم) به تمام اطلاعات مبادله شده از طریق سوئیفت دسترسی دارند. سال ۲۰۰۶ جار و جنجالی در اروپا به پا شد که این دسترسی آمریکایک نقض قوانین حریم خصوصی بلژیک و اتحادیه است.^۹ پیرو این مباحث، از سال ۲۰۰۹ سوئیفت ذخیره دسته‌ای از اطلاعات کاربران خود در سرورهای آمریکایی را متوقف کرد اما آمریکایی‌ها مذاکره با اروپا برای یک توافق در این زمینه را آغاز کرده و در نهایت اواسط سال ۲۰۱۰ این توافقنامه در پارلمان اروپا به تصویب رسید تا با اعمال برخی محدودیت‌ها (مانند ممنوعیت Data Mining)، دسترسی مجدد به آمریکا داده شود.^{۱۰} نتیجه اینکه باید بدانیم علت عدم همکاری بانک‌های خارجی با وجود رفع تحریم سوئیفت در دوره پس از برجام، اشراف آمریکا بر پیام‌های مبادله‌شده از طریق سوئیفت است. مع‌الاف در دوره‌ای حتی بانک‌های داخلی نیز برای انتقال پیام بین‌بانکی میان خود از سوئیفت استفاده کرده‌اند و دسترسی سازمان سیا و وزارت خزانه‌داری آمریکا به این اطلاعات در کنار اطلاعات مبادلات خارجی، شناسایی و اعمال تحریم بر افراد حقیقی و حقوقی ایرانی یا مرتبطان با آنها را تسهیل کرده است. اگر آمریکا با وجود بازگرداندن تحریم‌های قبلی، دسترسی ایران به سوئیفت را تحریم نکرد، دقیقا به این دلیل است که قصد دارد بر مبادلات سایر اعضای برجام با ایران اشراف داشته و از این ابزار برای جلوگیری از انتفاع بخش تحریمی ایران از تجارت خارجی استفاده کند. «لیزابت روزنبرگ» از مقامات وزارت خزانه‌داری آمریکا در دوره اوباما می‌گوید: «حامیان توافق هسته‌ای تحریم‌ها باقی ماندن ایران در سوئیفت می‌تواند موجب افزایش اطلاعات درباره ترانکشن‌هایی شود که از سوی ایران صورت می‌گیرد».^{۱۱} روزنامه «نیویورک تایمز» نیز در دفاع از ادامه دسترسی ایران به سوئیفت نوشت: «اگر سوئیفت پردازش انتقالات پول برای ایران را متوقف نماید، آمریکا اطلاعات کمتری درباره پول‌های ورودی و خروجی به ایران خواهد داشت»^{۱۲}.

امروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بررسی طرح «راهاندازی و استفاده از پیام‌رسان‌های مالی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه در تجارت خارجی» خواهند پرداخت. این طرح که یک فوریت آن ۱۱ تیرماه سال جاری به تصویب نمایندگان رسیده بود، در جلسات شهریورماه کمیسیون‌های اقتصادی، امنیت ملی و سیاسی و خارجی و برنامه، بودجه و محاسبات رد شده است. از آنجا که اجرایی شدن مفاد این طرح در بی‌اثرسازی تحریم‌های آمریکا نقش بسیار مهمی ایفا خواهد کرد، عنایت به نکات ذیل از نمایندگان محترم مجلس در جریان بررسی طرح در صحن علنی انتظار می‌رود.

۱- کمیسیون‌های فوق‌الذکر در رد ماده ۳ این طرح مربوط به انعقاد پیمان‌های پولی^{۱۳}، استدلال کرده‌اند اولاً در ماده ۱۳ قانون ۵ ساله ششم توسعه دولت مکلف به انعقاد پیمان‌های پولی شده است و نیازی به قانون جدید نیست، ثانیاً بانک مرکزی انعقاد این پیمان‌ها را در دستور کار دارد، ثالثاً الزام دولت برای این منظور به مصلحت نیست. استدلال نخست کاملا موجه است. یعنی وقتی قانونی برای موضوعی وجود دارد، وضع قانون جدید با همان محتوا کار بی‌فروشی است. گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس به‌دروستی اشاره کرده است که «تشکیل اصلی در مسأله پیمان‌های پولی، ناشی از اجراست».^{۱۴} این سخن دقیقاً اما ناقص ۲ استدلال بعدی یعنی «در دست اجرا بودن این پیمان‌ها از سوی بانک مرکزی» و «به مصلحت نبودن الزام دولت» در این‌باره است. اگر این پیمان‌ها از سوی بانک مرکزی در دست انعقاد است، چرا کمیسیون اقتصادی صراحت دارد مشکل این پیمان‌ها در حوزه اجراست؟ اساسا شاید همین اهمال در اجرا، انگیزه ارائه طرح جدید با وجود قانون قبلی بوده است. نظر کمیسیون برنامه و بودجه نیز که «الزام دولت به مصلحت نیست» بیشتر شبیه یک طنز است تا نظر کارشناسی؛ چه اگر انعقاد این پیمان‌ها اجرای قانون است و این سخن که «الزام دولت به مصلحت نیست»، خود نقض قانون برنامه ششم است. لذا در زمینه پیمان‌های پولی دوجانبه باید گفت طبیعتا با وجود قانون برنامه توسعه، نیازی به قانون جدید نیست، اما آنچه بر عهده مجلس است، نظارت بر اجرای ماده ۱۳ قانون ۵ ساله ششم توسعه و پیگیری اجرای این قانون توسط دولت است.

۲- اما درباره ماده ۲ طرح که مربوط به استفاده

به شکلی عجیب به حاشیه مباحث شهری رانده شده است. بیجانست که حتی انتخاب گزینه‌های از پیش شکست خورده‌ای همانند «محمدعلی نجفی» را نیز بر همین مبنا مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم. بر این مبنا در شرایط فعلی انتخاب شهرداری برخلاف رویه شکست خورده شهرداران قبیل بزرگراه‌ها، پارک‌ها... به یک بخش خصوصی فعلی است، بلکه اعترافی به اشتباه بودن راه طی شده یکسال اخیر است که برای حیثیت سیاسی شورا پسندیده نیست.

مطلق بودن ترکیب شورای پنجم از جناح سیاسی اصلاح‌طلب و نبود رابطه‌ای میان انتخاب آنها با نظارت استصوابی شورای نگهبان باعث شده عمده‌ترین پاسخ این جریان به ناکارآمدی مدیریتی‌اش در افکار عمومی رنگ بپازد. به عبارت دیگر شورا یا بی‌نمک بودن آتش شهرداری تهران بی‌واسطه به آتشیز آن بازخواهد گشت و همین مسأله باعث آن می‌شود تا حجم عمده‌ای از تلاش شورای پنجم برای انتخاب شهردارهایش معطوف به درگیر کردن باقی نهادها یا شخص شهردار برای پیدا کردن جانشینی به جای شورای نگهبان برای فرار از پاسخگویی باشد. تلاش‌های عمده برای سیاسی جلوه دادن استعفای نجفی و حتی در نهایت رای منفی و سپس مثبت دادن به استعفای وی و تفسیر آن به قدرانی(۱) از زحمات شهردار مستعفی همه گواهی بر صدق این فرضیه محسوب می‌شود. بر این مبنا پیش کشیدن گزینه‌ای که حاشیه‌آفرینی سیاسی‌اش بر روند اجرایی مدیریت وی می‌چربد، می‌تواند ظرفیت درگیرسازی شهرداری تهران با سایر نهادها و سپس ارتباط دادن ضعف مدیریتی به دخالت باقی نهادها را برای فرار از پاسخگویی فراهم کند.

سرنوشت گره خورده مدیریت شهری تهران با مصالح سیاسی اعضای شورای پنجم در عین آنکه یادآور فرجام تلخ شورای اول شهر تهران است، نمونه‌ای کامل از یک «لجاجت سیاسی» برای ماهیگیری از رودخانه گل‌آلودی است که در خیابان بهشت جاری شده است. به زبان ساده انتخاب گزینه‌ای همانند آخوندی برای شهرداری تهران جلوه‌ای تمام‌عیار از شکست علامت‌ها برای غیرقابل دسترس دانستن پیروزی است.

که در صورت به دست گرفتن مدیریت شهری پایتخت قطعا رویه‌ای غیر از رویه مدیریتی ۳ دهه اخیر خود نخواهد داشت. تهران تحت مدیریت آخوندی به جای آنکه دائم با افتتاح پروژه‌های جدید در جهت خدمت‌رسانی مواجه شود باید منتظر واگذاری‌های پیاپی بخش‌های عمومی از قبیل بزرگراه‌ها، پارک‌ها... به یک بخش خصوصی نزدیک به جریان سیاسی شهردار تهران باشد، تهرانی که مدل توسعه آنها بر مبنای گران‌سازی شهر در جهت تبدیل‌شدن به مزیت می‌تواند برای ثروتمندان را ببیند، هیچ‌گاه خدمت‌رسانی و افزایش رفاه عمومی را به عنوان عاملی به نفع همه شهروندان نمی‌بیند؛ مجموعاً تهرانی که شیوه مدیریتی مشابه با وزارت راه‌وشهرسازی را تجربه کند، نمی‌تواند تهرانی برای همه ساکنان خود باشد، چرا که با استناد به نامه استعفای وزیر سابق این وزارتخانه راه توسعه‌از مسیری جز مکتب فکری وی عبور نخواهد کرد.

با تمام این ملاحظات، علت اصلی اجماع بر آخوندی از جانب اعضای شورای شهر چیست؟ شوریایی که در فاصله زمانی یک سال و ۲ ماه مدیریت شهری تهران را به ۴ نفر سپرده است با چه نگاهی می‌خواهد برای پنجمین بار دست به چنین قمار شکست خورده‌ای بزند؟ آیا مطرح کردن آخوندی بر سر زبان‌ها برای به مرگ گرفتن و به تب راضی کردن مردمی است که از مدیریت فعلی و به عبارت بهتر بی مدیریت تهران خسته شده‌اند؟ آیا می‌توان انتخاب آخوندی را به منزله انتقام سیاسی شورای پنجم بابت عدم همراهی با دور زدن قانون و مستثنا شدن افشانی دانست؟

حقیقت امر آن است که جواب عمده این سؤالات در نسبت با یکدیگر مشخص می‌شود، به عبارت دیگر تا نگاهی جامع به مجموعه تصمیمات شورای پنجم نداشته باشیم نمی‌توانیم ماهیت این شورای اصلاح‌طلب پنجم از بدو تشکیل خود مسیری مبتنی بر اصالت «خبرسازی» به جای «پاسخگویی» را در پیش گرفته است؛ عرصه خدمت‌رسانی و پروژه‌های شهری در یکسال گذشته با اقدامات پرسروصدا و کم‌اهمیتی همچون تغییر نام خیابان‌ها، توثیق‌های سیاسی اعضا و...

دومینوی انتخاب شهردار جدید برای تهران با رسیدن به گزینه پرحرف و حدیث «عباس آخوندی»، وزیر مستعفی و ناکام راه‌وشهرسازی دولت یازدهم و دوازدهم به مرحله‌ای حساس و صدمات خطرناک‌تر از گذشته رسیده است. در شرایطی که تهران بیش از هر زمان دیگری به ثبات و آرامش مدیریتی برای عبور از دوران مدیریت چندماهه شهرداران نیازمند است، مواضع و مصاحبه‌های تعدادی از اعضای شورای شهر تهران مؤید آن است که در میان اسامی مطرح‌شده، نام عصبانی‌ترین وزیر دولت روحانی دارای بیشترین حد از مقبولیت و اجماع است. در این میان محمد سالاری، عضو شورای شهر تهران پیرامون وضعیت شهردار آینده اعلام کرد: «هر یک از اعضای شورای شهر می‌توانستند ۵ نفر را به عنوان گزینه شهرداری معرفی کنند که در این میان تعداد اعضای که آقای آخوندی را انتخاب کردند، بیشتر بوده است». زهرا صدراعظم نوری، دیگر عضو این شورا نیز با بیان اینکه «به نظر من آخوندی می‌تواند یک گزینه مناسب برای شهرداری تهران باشد»، فرضیه قطعی بودن گزینه عباس آخوندی برای شهرداری تهران را تبدیل به یقین کرد.

عباس آخوندی گزینه‌ای مناسب برای شهرداری تهران نیست. این گزاره را می‌توان با نیمی‌نگاهی کوتاه بر روند مدیریتی او در ۵ سال گذشته استنتاج کرد. نگاه مدیریتی آخوندی که جلوه‌ای تمام‌عیار از نگاه مدیریتی قوه مجریه نیز محسوب می‌شود، نگاهی معطوف به آزادسازی بی حد و حصر همه امور به نفع «بازار» و دل بستن به سفته غیرنقدی است که روزی از جانب دست نامرئی بازار وصول می‌گردد. آخوندی اساسا نهادهای اجرایی را به جای آنکه وسیله‌ای در جهت حل مشکلات عمومی ببیند، به عنوان جاده صاف‌کنی برای هموار شدن راه یک الیگارشی اقتصادی می‌داند؛ ولخرجی ناکام وی در عرصه ناوگان هوایی و بی‌اعتنایی‌اش نسبت به مطالبه عمومی مسکن به عنوان نمونه‌ای روشن از این مسأله قابل مشاهده است. آخوندی علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی از قبیل پرخاشگری، طلبکاری دائمی، هجو کردن منتقدان و... در عرصه مدیریتی نمادی تمام‌عیار از یک مدیریت اشرافی با پس‌زمینه فکری نئولیبرالیسم کاریکاتوری است

تیتیرهای امروز

تعویق انتخاب شهردار تهران

■ گزارش «وطن امروز» از بالاگرفتن اختلاف‌های حزبی در شورای شهر برای انتخاب سومین شهردار؛ سهم‌خواهی یا وفای به عهد؟

صفحه ۴

«وطن امروز» به بهانه کاندیدا شدن عباس آخوندی برای تصدی شهرداری تهران کارنامه او در وزارت راه و شهرسازی را بررسی می‌کند

شرسازی در شهرداری!

صفحه ۳

نگاهی به عنصر مبارزه در هنر هفتم از ایران تا هالیوود

سینمای مبارزه

صفحه ۱۳

وزارت امور خارجه در واکنش به بازگشت تحریم‌ها بیانیه‌ای عجیب منتشر و در آن تلاش کرد آمریکا را از ترامپ تفکیک کند

دیروز کد خدا امروز رژیم ترامپ!

صفحه ۲

حاشیه‌های لا‌پوشانی کردن قتل ۲ خواهر سعودی در نیویورک

سه‌گانه بن سلمان

■ اردوغان؛ قتل خاشقچی با دستور بالاترین مقام‌های سعودی انجام شده است

صفحه ۱۵

گزینه‌ای برای اختتامیه شورای پنجم

■ صادق فرامزی

نگاه‌امروز

دومینوی انتخاب شهردار جدید برای تهران با رسیدن به گزینه پرحرف و حدیث «عباس آخوندی»، وزیر مستعفی و ناکام راه‌وشهرسازی دولت یازدهم و دوازدهم به مرحله‌ای حساس و صدمات خطرناک‌تر از گذشته رسیده است. در شرایطی که تهران بیش از هر زمان دیگری به ثبات و آرامش مدیریتی برای عبور از دوران مدیریت چندماهه شهرداران نیازمند است، مواضع و مصاحبه‌های تعدادی از اعضای شورای شهر تهران مؤید آن است که در میان اسامی مطرح‌شده، نام عصبانی‌ترین وزیر دولت روحانی دارای بیشترین حد از مقبولیت و اجماع است. در این میان محمد سالاری، عضو شورای شهر تهران پیرامون وضعیت شهردار آینده اعلام کرد: «هر یک از اعضای شورای شهر می‌توانستند ۵ نفر را به عنوان گزینه شهرداری معرفی کنند که در این میان تعداد اعضای که آقای آخوندی را انتخاب کردند، بیشتر بوده است». زهرا صدراعظم نوری، دیگر عضو این شورا نیز با بیان اینکه «به نظر من آخوندی می‌تواند یک گزینه مناسب برای شهرداری تهران باشد»، فرضیه قطعی بودن گزینه عباس آخوندی برای شهرداری تهران را تبدیل به یقین کرد.

عباس آخوندی گزینه‌ای مناسب برای شهرداری تهران نیست. این گزاره را می‌توان با نیمی‌نگاهی کوتاه بر روند مدیریتی او در ۵ سال گذشته استنتاج کرد. نگاه مدیریتی آخوندی که جلوه‌ای تمام‌عیار از نگاه مدیریتی قوه مجریه نیز محسوب می‌شود، نگاهی معطوف به آزادسازی بی حد و حصر همه امور به نفع «بازار» و دل بستن به سفته غیرنقدی است که روزی از جانب دست نامرئی بازار وصول می‌گردد. آخوندی اساسا نهادهای اجرایی را به جای آنکه وسیله‌ای در جهت حل مشکلات عمومی ببیند، به عنوان جاده صاف‌کنی برای هموار شدن راه یک الیگارشی اقتصادی می‌داند؛ ولخرجی ناکام وی در عرصه ناوگان هوایی و بی‌اعتنایی‌اش نسبت به مطالبه عمومی مسکن به عنوان نمونه‌ای روشن از این مسأله قابل مشاهده است. آخوندی علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی از قبیل پرخاشگری، طلبکاری دائمی، هجو کردن منتقدان و... در عرصه مدیریتی نمادی تمام‌عیار از یک مدیریت اشرافی با پس‌زمینه فکری نئولیبرالیسم کاریکاتوری است

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی

📞 📧 📷 📺 📱

@vatanemrooz

پایمک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۳۱